

نخستین وحی در ماه رمضان بود؟

روز بعثت پیامبر، مانند روز تولد و رحلت آن حضرت از نظر تاریخ نگاران قطعی نیست. دانشمندان شیعه، تقریباً متفق‌اند...



روز بعثت پیامبر، مانند روز تولد و رحلت آن حضرت از نظر تاریخ نگاران قطعی نیست. دانشمندان شیعه، تقریباً متفق‌اند که پیامبر اسلام در بیست و هفتم ماه «رجب» به رسالت مبعوث گردید، و نبوت او از همان روز شروع شد. ولی مشهور در میان دانشمندان سنی اینست که بزرگ پیشوای اسلام، در ماه رمضان به این مقام بزرگ نائل گردید، و در آن ماه پربرکت و مبارک، حضرتش برای راهنمایی مردم از طرف خدای جهان مأموریت پیدا کرد، و به منصب رسالت و نبوت مفتخر شد. از آنجا که شیعه خود را پیرو عترت و اهل بیت پیامبر می‌داند و به حکم حدیث «ثقلین»، گفتار پیشوایان خود را از هر نظر، قطعی و صحیح می‌شمارد از این رو درباره تعیین روز بعثت پیامبر اسلام پیرو قولی شدند که از اهل بیت آن حضرت برای آنان، به طور صحیح نقل شده است. فرزندان آن حضرت می‌گویند: بزرگ خاندان ما در ماه رجب در بیست و هفتمین روز آن ماه مبعوث گردید. روی این مقدمات، آنان نباید در صحت و پابرجائی قول مزبور شك و تردیدی به خود راه دهند. چیزی که می‌تواند برای قول دیگر مدرک شمرده شود، همان تصریح قرآن است بر اینکه آیات قرآن در ماه رمضان نازل گردیده است. از آنجا که روز بعثت، روز آغاز وحی و نزول قرآن بوده است، بنابراین باید گفت که روز بعثت در همان ماهی است که قرآن در آن ماه فرو فرستاده شده است، و آن همان ماه رمضان است. اینک آیاتی که دلالت دارد بر اینکه قرآن در ماه مبارک نازل گردیده است:

1- ماه رمضان، ماهی که در آن ماه قرآن فرو فرستاده شده است. (1)

2- سوگند به قرآن که ما آن را در یک شب مبارک فرو فرستادیم (2) و آن شب، همان شب قدر است که در سوره «قدر» بر آن تصریح شده است، چنانکه فرموده: ما قرآن را در شب «قدر» فرو فرستادیم. (3)

پاسخ دانشمندان شیعه

محدثان و مفسران شیعه، از این استدلال به طرق گوناگون پاسخ‌هایی گفته و توضیحاتی داده‌اند. اینک به بیان برخی از آنها می‌پردازیم:

پاسخ اول: آیات یاد شده فقط دلالت دارند که قرآن، در ماه رمضان، در یک شب مبارک که شب قدر است نازل گردیده، ولی محل نزول آن را بیان نمی‌کنند، و هرگز دلالت ندارند که همان شب بر قلب پیامبر نازل شده‌اند. چه بسا احتمال دارد که قرآن نزولهای گوناگونی داشته باشد، و یکی از آن نزولها، نزول قرآن به طور تدریج بر پیامبر است. دیگری نزول دفعی آن است از «لوح محفوظ» به «بیت معمور». (4)

بنابراین چه اشکالی دارد که در بیست و هفتم ماه رجب، فقط آیاتی چند از سوره علق بر پیامبر نازل گردد، و تمام قرآن به طور جمعی در ماه رمضان، از یک مقامی که قرآن آن را «لوح محفوظ» می‌نامد، مقام دیگری که در روایات از آن به «بیت معمور» نام برده شده است نازل شود. مؤید این گفتار، همان آیه سوره «دخان» است که می‌فرماید:

«ما کتاب را در شب مبارک نازل کردیم»، صریح این آیه (به استناد ضمیری که به کتاب برمی‌گردد) این است که تمام آن در لیل مبارکه (که در شهر رمضان است) نازل گردید، و باید این نزول غیر آن نزولی باشد که در روز بعثت، تحقق یافته، زیرا در روز بعثت آیاتی بیش نازل نگردیده است.

خلاصه سخن اینکه: آیاتی که دلالت می‌کنند که قرآن در ماه رمضان در لیل مبارکه «قدر» فرو فرستاده شد، نمی‌توانند دلیل بر این باشند که روز بعثت که در آن روز نیز آیاتی چند نازل گردیده در همان ماه بوده است. زیرا آیات فوق دلالت دارد که تمام کتاب (قرآن) در آن ماه نازل گردیده است، در صورتی که در روز بعثت فقط آیاتی چند نازل شده است، در این صورت احتمال دارد که مقصود از نزول جمعی قرآن همان نزول مجموع قرآن، در همان ماه از لوح محفوظ به بیت معمور باشد. دانشمندان شیعه و سنی روایاتی در این مورد نقل کرده‌اند و بالاخص استاد دانشگاه «الازهر»، محمد عبد العظیم زرقانی، روایات را بطور مبسوط در کتاب خود وارد کرده است. (5)

پاسخ دوم: متین‌ترین پاسخی که تا حال از طرف دانشمندان ابراز شده، همان جواب دوم است. استاد آقای طباطبائی در کتاب نفیس خود (6) در توضیح آن کوشش فراوانی به خرج داده و خلاصه آن به قرار زیر است:

اینکه قرآن می‌فرماید: ما آن را در ماه رمضان نازل کردیم، منظور حقیقت و واقع قرآنست که بر قلب پیامبر نازل گردید. زیرا قرآن، علاوه بر وجود تدریجی، واقعیتی دارد که خدای بزرگ پیامبر خود را از آن در یک شب معین از شبهای ماه رمضان آگاه ساخت.

از آنجا که رسول گرامی، از تمام قرآن آگاهی داشت، دستور آمد که درباره قرآن عجله نفرماید، تا آنکه دستور نزول تدریجی آن صادر شود. چنانکه می‌فرماید: در تلاوت قرآن عجله مکن، پیش از آنکه حکم وحی آن صادر گردد. (7)

خلاصه این پاسخ اینست که: قرآن یک وجود جمعی علمی واقعی دارد که یکدفعه در ماه رمضان نازل گردید، و یک وجود تدریجی دارد که آغاز نزول روز بعثت بوده و تا پایان عمر آن حضرت به طور تدریج نازل می‌گردید.

پاسخ سوم: بعثت با نزول قرآن همراه نبود

چنانکه در توضیح اقسام وحی اجمالاً بیان شد، وحی دارای مراتبی است که نخستین مرتبه‌ای که پیامبر با آن روبرو می‌گردد، همان رؤیا و خوابهای راستین است. و مرتبه دیگر آن شنیدن ندای غیبی و آسمانی است، بدون اینکه با فرشته‌ای مواجه شود. و آخرین درجه آن این است که سخنان خدا را از فرشته‌ای که او را مشاهده می‌کند، بشنود و بوسیله او از حقایق عوالم دیگر آگاه گردد.

از آنجا که نفس انسانی در نخستین مرتبه، توانائی تحمل مراتب بر وحی را ندارد، بلکه باید تحمل آن تدریجی انجام بگیرد، بنابراین باید گفت: در روز بعثت (روز بیست و هفتم) تا مدتی پس از آن، آن حضرت فقط ندای آسمانی را مبنی بر اینکه او رسول و فرستاده خدا است می‌شنید، و هیچگاه در چنین روزی آیه‌ای نازل نشده، سپس پس از مدتی در ماه رمضان نزول تدریجی قرآن شروع شده است.

خلاصه این پاسخ اینست که: مبعوث شدن پیامبر در ماه رجب، ملازم با نزول قرآن در آن ماه نیست، روی این بیان، چه اشکالی دارد پیامبر در ماه رجب مبعوث به رسالت شود و قرآن در ماه رمضان همان سال نازل گردد.

پاسخ مزبور اگر چه با بسیاری از متون تاریخ موافق نیست (زیرا بسیاری از مورخین تصریح کرده‌اند که آیاتی از سوره «علق» در همان روز بعثت نازل شده) ولی مع الوصف-روایاتی نیز داریم که جریان روز بعثت را با شنیدن ندای غیبی تمام کرده و سخنی از نزول قرآن و یا آیات به میان نیاورده است، بلکه موضوع را چنین تشریح می‌نماید که در آن روز، پیامبر فرشته‌ای را دید که به او می‌گوید: یا محمد انك لرسول الله و در برخی از روایات فقط شنیدن تنها، نقل شده و سخن از رؤیت فرشته به میان نیامده است. برای توضیح بیشتر به بحار مراجعه شود. (8)

پی‌نوشت‌ها:

1. شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن -سوره بقره/185.
 2. حم و الكتاب المبین انا انزلناه فی لیلة مبارکة -سوره دخان/2 و 3
 3. انا انزلناه فی لیلة القدر -سوره قدر/1.
 4. برای آگاهی از تفسیر لوح محفوظ و بیت معمور، به کتابهای تفسیر مراجعه فرمائید.
 5. «مناهل العرفان فی علوم القرآن»، ج 37/1.
 6. «المیزان»، ج 16-14/2.
 7. و لا تعجل بالقرآن من قبل ان یقضی الیک وحیه -سوره طه/114.
 8. «بحار الانوار»، ج 184/18-190-193-253. «کافی»، ج 2/460، «تفسیر عیاشی»، ج 1/80-این پاسخ تنها با آنچه که از صحیح بخاری نقل گردید که بعثت پیامبر با نزول سوره «علق» همراه بود، سازگار نیست.
- کتاب: فروغ ابدیت، ج 1، ص 233
- نویسنده: جعفر سبحانی